

مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی
د استراتژیکو او سیمه ییزو څېړنو مرکز



تحلیل هفته

شماره: 44 (از ۱۵ سنبله الی ۲۳ سنبله 1392 هـ ش)

این نشریه مجموعه از تحلیل واقعات مهم در طول یک هفته است که توسط مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی جهت تحلیل وضعیت سیاسی-اقتصادی کشور تهیه و نشر می‌گردد تا نهادها و مراجع مختلف از آن مستفید گردند.

آنچه درین نشریه می‌خوانید:

1. ایجاد ائتلافهای سیاسی و تلاش حکومت برای تأخیر در انتخابات
2. ضعف مدیریت حکومت و ادامه جنگ در افغانستان
3. معامله با پاکستان، تسهیل کننده روند صلح
4. پاکستان، ملا برادر فرد شماره دوم گروه طالبان را آزاد می‌کند

ایجاد ائتلافهای سیاسی و تلاش حکومت برای تأخیر در انتخابات



شماری از جریان های سیاسی افزایش نا امنی ها، تغییرات در رهبری نهادهای امنیتی و برگزاری لویه جرگه را از تلاش های اصلی حکومت برای عدم تدویر انتخابات و باقی ماندن تیم حاکم در قدرت میدانند.

آقای داکتر نور آقا روئین رئیس حزب رسالت مردم افغانستان و از اعضای برجسته "مجمع تفاهم ملی" در مصاحبه اختصاصی با "مرکز

مطالعات استراتژیک و منطقی" در پیوند به انتخابات گفت:

نخست از همه باید گفت که ملت به یک رهبر درست و کارفهم نیاز دارد تا کشور را ازین بحران نجات دهد و از سوی دیگر درین حالت انتخابات ریاست جمهوری در حال فرا رسیدن است و مردم امیدهای ازین انتخابات دارند. اما متأسفانه باید گفت دلایلی وجود دارد که امکان برگزاری انتخابات شفاف و عادلانه را زیر سؤال می برد:

سیاست های که تا هنوز گذاشته شده روی یک انسجام ملی تمرکز نداشته و آنهایکه تا کنون به قدرت رسیده اند، همان منافع مادی و مقطعی خویش را مد نظر داشته و ازین لحاظ درین مدت 12 سال در تلاش بهبود و تنظیم سیستم و نظام نبوده اند.

از سوی دیگر مداخلات کشورهای خارجی در پروسه انتخابات قابل غور است، چون دیده شده که در پروسه های قبلی دست های خارجی در عقب این پروسه بوده و حمایت پنهان و آشکار خود را نموده اند، پس امکان دخالت کشورهای خارجی در سومین انتخابات ریاست جمهوری افغانستان بعید نمی باشد.

آقای روئین در مورد جهات و احزاب متشکله گفت که اینها دارای اهداف مختلف می باشند. یک تعداد آنها مختص بخاطر انتخابات شکل گرفته و تعدادی هم دارای اهداف وسیعتر و بزرگتر از انتخابات دارند. و اینکه تعدادی از نهادها با هم یکجا شده جهاتی را تشکیل می دهند و از خود نامزدی را پیشنهاد می کنند از دیدگاه من این امر خوبیست چون کتله های با هم یکجا می شوند و چهره ها خوبتر تشخیص و شناسایی می گردد و مواقف نیز آشکار می گردد.

با کمال افتخار می گویم که ساختار جامعه افغانی طوریست که از همه اقوام و زبانها در تشکیل آن جا گرفته و بسیار مشکل است یک قوم را از قوم دیگر جدا ساخت.

اگر تبارزات و مبارزات سیاسی بخاطر منافع قومی و گروهی صورت می گیرد در نهایت بی نتیجه بوده و مورد عدم تایید ملت قرار خواهد گرفت و همچنان ازین طریق نمی توان افغانستان را به سوی صلح و ثبات کشانید. به نظر من هر حرکت سمتی و قومی و منطقی محدود



که اقوام مختلف را با خود نداشته باشد و یک کتله بزرگ قومی ای را به عقب براند و یا نتواند با خود یکجا بسازد، دست به تشتت و پراگندگی زده و ملت بالای آن حساب نخواهد کرد و محدود بوده و از همین رو به فروپاشی مواجه خواهد شد.

کسانی که از مقام شان برکنار می گردند، با چهره جدید قدرت طلبی روی صحنه ظاهر می شوند!

آقای روئین در مورد ویژگی های مجمع تفاهم ملی می گوید: تفاوت مجمع تفاهم ملی با سایر جهات و اتحادها درین است که درین مدت 12 سال حاکمیت دولت هیچ کدام از افراد برجسته این مجمع در نظام دولت هیچ جای و جایگاه نداشته اند.

ولی در سایر جهات دیده می شود افرادی که در قیادت آنها قرار دارد از پایه های بلند حکومت بوده و هیچ نقد و انتقادی از حکومت در مدت کاری خویش نداشته و تا زمانیکه وقت کاری شان تمام نشده و یا به سبب بی کاری شان از مقام برکنار نشدند هرگز خود آماده دوری از آنها نداشتند و اگر دور شدند بعداً به عکس العمل های مقامی دست زدند که در نهایت تلاش شان به این بود که دو باره به مقام های بلندی راه پیدا کنند و در وجود اکثریت اینها کیفیت علمی، فکری و تحلیلی و ملی وجود ندارد که به خیر و صلاح افغانستان و بخاطر بهبودی کشور باشد.

اما مجمع تفاهم ملی درین مدت، حکومت را نقد کرده نه به خاطر قدرت و مقام، بلکه به خاطر خیر و صلاح ملت افغانستان و استقرار ثبات درین کشور بوده است.

آقای روئین پیرامون ایجاد این مجمع افزود: انگیزه ایجاد مجمع تفاهم ملی همین بود که بدون یک اتحاد فکری و علمی نمی توان افغانستان را ازین حالت نجات داد.

او در پاسخ به سوالی که گفته می شود کسانی هستند که مخالف برگزاری انتخابات ریاست جمهوری میباشند، به نظر شما این خواسته ناشی از چی بوده و چه حرف های ناگفته در پس این پرده قرار دارد؟ می گوید: ابقای قدرت بخاطر تداوم عمر کابینه فعلی یکی از عوامل مخالفت با برگزاری انتخابات است.

و همچنان از مشکلات عینی مسئله امنیت است که تعدادی هم به این قضیه می اندیشند که گویا مشکلات امنیتی وجود دارد و لازم نمی بینند که انتخابات برگزار شود اما از دیدگاه من ابقای این نظام نیز راه حل نبوده، بلکه عامل نابسامانی های بیشتر می باشد پس باید انتخابات برگزار شود.



از سوی دیگر آقای معین مرستیال، معاون حزب حق و عدالت در مورد تأخیر انتخابات و دوام حکومت فعلی می گوید که در ابتدا حکومت کوشش دارد تا توافق برای برگزاری لویه جرگه را کسب کند؛ اما در حقیقت کوشش می شود تا در این لویه جرگه برای دوام حکومت فعلی تلاش شود.

حکومت تنها با برگزاری لویه جرگه در پی تداوم کار خویش نیست؛ بلکه

حلقات مشخصی در اطراف حکومت حضور دارند که در این راه با دولت مردان کمک می کنند.

مرستیال به این باور است که این حلقات با راه اندازی جلسات و نشست های پرشور مردمی، شرایط را به شکلی رقم می زند که گویا امنیت به طور کامل فراهم نیست و باید انتخابات به تعویق بیافتد و این حلقات از همین حالا در تلاش هستند تا شرایط را به شکلی زمینه سازی کنند که دوام حکومت فعلی جریان داشته باشد.

در همین حال؛ شماری از اعضای مجلس نمایندگان هشدار می دهند که عدم برگزاری و یا تأخیر در انتخابات، افغانستان را بطرف جنگ و مداخله های بیرونی سوق خواهد داد.

اما برگزار نشدن و تأخیر در انتخابات چه پیامدهایی را به دنبال خواهد داشت؟

در پاسخ به این سوال، شکرپه بارکزی، عضو مجلس نمایندگان می گوید تأخیر در انتخابات، هدر رفتن تلاش های مردم افغانستان در طول 12 سال گذشته است و به معنی رفتن افغانستان به سوی جنگ، مداخله و دیکتاتوری خواهد بود.

بانو بارکزی ضمن اظهار امیدواری برای عدم تأخیر انتخابات، اظهار داشت که تغییر و تبدیلهای اخیر بدون شک نشان دهنده این است که رئیس جمهور و تیم حاکم علاقه مند هستند تا برای دوام حکومت، افراد خاص، پستهای خاص سیاسی را پیش ببرند.

و در نهایت این مردم افغانستان هستند که باید برای آینده کشورشان تصمیم بگیرند.

این در حالی ست که کمیسیون مستقل انتخابات یگانه گزینه برای انتقال مسالمت آمیز قدرت را تدویر انتخابات در زمان معین آن می داند.

اما تلاش ها در حالی برای برگزار نشدن انتخابات آغاز شده که ائتلاف های جدیدی در حال شکل گیری است.

ضعف مدیریت حکومت ادامه جنگ در افغانستان



فرستاده ویژه امریکا برای افغانستان و پاکستان آغاز مذاکرات صلح پیش

از سال 2014 با طالبان را مانعی برای اوج‌گیری جنگ‌های داخلی در

افغانستان می‌داند.

پس از متوقف شدن گفت‌وگوهای صلح میان طالبان و افغانستان مبنی

بر چگونگی بازگشایی دفتر این گروه در دوحه پایتخت قطر، جیمز دابنز، فرستاده ویژه امریکا برای افغانستان و پاکستان گفته است

که پایین شدن پرچم و لوحه دفتر طالبان در قطر، نمایندگان این گروه را به خشم آورده و آنان مذاکرات با امریکا و شورای عالی صلح

افغانستان را متوقف ساخته اند.

دابنز ابراز داشت که در حال حاضر در افغانستان جنگ داخلی جریان دارد، و اگر روند مذاکرات صلح با طالبان آغاز شود، سبب

کاهش خشونت‌ها و یا هم آمدن صلح و امنیت درازمدت در افغانستان می‌شود.

او می‌گوید پرسش اصلی اینست که آیا این جنگ داخلی در افغانستان تشدید می‌یابد یا خیر؟ این تصور هم بیش از حد خوشبینانه

خواهد بود که گویا مذاکرات صلح باعث آوردن صلح پیش از پایان سال ۲۰۱۴ می‌شود؛ اما بهترین راه اینست تا روند گفتگوها آغاز شود

تا شاید در دراز مدت؛ امنیت و صلح در افغانستان حاکم شود.

آقای محراب الدین صافی آگاه امور می‌گوید که حکومت برای آوردن صلح در افغانستان علاقمندی نشان نداده و همین امر در کنار

دیگر مشکلات، باعث شده تا صلح و ثبات در کشور به صورت کامل، ایجاد نشود.

به باور وی، ضعف مدیریت و نبود اراده سیاسی قوی در افغانستان، مداخله کشورهای منطقه و غربی برای بدست آوردن منافع شان

و نیز بسترسازی جنگ از سوی برخی حلقه‌های داخلی در کشور سبب شده است که جنگ هنوز هم در افغانستان ادامه داشته باشد.

اما با یک مدیریت جدی و تصمیم قاطع از سوی حکومت در برابر طالبان، می‌توان مشکلات را حل کرده و راه‌های مناسب حل این

معضل را جستجو کرد.

معامله با پاکستان، تسهیل کننده روند صلح



چندی پیش هفت تن از اعضای طالبان افغانستان از زندان‌های این پاکستان رها شدند. برخی از اعضای مجلس سنای افغانستان در ارتباط با این موضوع بشدت انتقاد کرده و می‌گویند که رهایی آنان یک نوع سازش و تقویت طالبان می‌باشد. این افراد رهایی این زندانیان را یک نوع باج دادن حکومت به طالبان تلقی کرده و از این عمل شدیداً انتقاد کردند.

با وجود اینکه زندانیان طالب بارها از سوی حکومت پاکستان رها شده اند اما به باور بسیاری، این عمل یک کار تشریفاتی بوده و کسانی که از قید رها می‌شوند افرادی عادی بوده و نمی‌توانند در پروسه مذاکره یا صلح افغانستان نقش بارزی را ایفا کنند.

آقای فهیم دشتی روزنامه‌نگار در پاسخ به اینکه آیا زندانیان رها شده از سوی پاکستان می‌توانند بر روند صلح افغانستان تاثیرگذار باشند؟ گفت: این افراد می‌توانند دوباره به جبهات جنگ بازگردند و یا اینکه به زندگی عادی بازگشته و به پروسه صلح بپیوندند. اما پرسش اصلی اینست که وقتی طالبان رها می‌شوند به کجا می‌روند؟ هنوز پاسخ روشنی برای این پرسش وجود ندارد. سال گذشته هم عده ای از فرماندهان طالبان از پاکستان رها شدند. حکومت معترض بود که این زندانیان از سوی پاکستان به حکومت افغانستان واگذار نشده اند.

وی افزود: باید بدانیم، هدفی که دولت افغانستان و شورای عالی صلح از ارایه درخواست برای رهایی زندانیان طالبان دنبال می‌کند، چیست؟ هیچ تضمینی وجود ندارد که رهایی این زندانیان بتواند در روند صلح کمک کننده بوده و در کاهش ناامنی‌ها در کشور تاثیرگذار باشد. این اشخاص در واقع از بدنه اصلی طالبان فاصله گرفته اند و نمی‌توانند تاثیر زیادی بر مذاکرات با طالبان داشته باشند و این به معنی دوام جنگ در کشور است.

آقای دشتی در ادامه بیان داشت: بخشی از طالبان افغانستان در کنترل پاکستان هستند و بالعکس عده ای از طالبان پاکستانی نیز با افغانستان در ارتباط هستند. بخش‌های از طالبان که برنامه شان دوام جنگ است، نه تحت کنترل پاکستان هستند و نه تحت کنترل افغانستان. در نتیجه اگر پروسه صلحی هم آغاز شود و مذاکرات راه بیفتد، ممکن است بخشی از طالبان وارد پروسه سیاسی شوند اما بخش دیگر به جنگ ادامه خواهند داد و اگر می‌خواهیم با طالبان وارد مذاکرات صلح شویم، نیاز به یک معامله و بده بستان با پاکستان داریم. چون پاکستان خواسته‌های از افغانستان دارد و تا زمانی که این خواسته‌ها برآورده نشود، این کشور به طالبان اجازه ورود به روند مذاکرات صلح را نخواهد داد.

محترم ذاکر جلالی ناظر مسائل سیاسی در مورد سیاست‌های جدید حکومت پاکستان می‌گوید:



نواز شریف، نخست‌وزیر پاکستان اخیراً اعلام داشته است که با مخالفین اسلام‌گرای حکومت‌اش به گفت‌وگو خواهد پرداخت. نواز شریف که در ماه می سال جاری برای سومین بار به نخست‌وزیری آن کشور رسید، طوری می‌نماید که این بار در پی تغییرات گسترده در سیاست‌های داخلی و خارجی کشورش است. با برنده شدن در انتخابات ماه می، آقای شریف نخست‌وزیر هند، دشمن سنتی پاکستان، آقای من موهن سنگ را به مراسم حلف‌برداری‌اش دعوت نمود. گفت‌وگوهای اخیر میان

سران افغان و پاکستانی نیز می‌تواند نشانه‌ای از تلاش‌های آقای شریف جهت تغییر رویکرد کشورش باشد. گفت‌وگو با مخالفین مسلح حکومت پاکستان یا تحریک طالبان پاکستان پس از سال 2001م نخستین بار است که با این جدیت مطرح می‌شود. روز دوشنبه‌ای گذشته، 9 سپتامبر، نخست‌وزیر نشست تمامی احزاب را فراخوانده بود که طی آن مسوده‌ای گفت‌وگو با طالبان توسط احزاب موجود در نشست تصویب شد. جالب این است که این طرح از سوی سخنگوی تحریک طالبان پاکستان، شاهدالله شاهد نیز استقبال شده بود. اما روز پنجشنبه‌ای هفته‌ای گذشته آقای شاهد گفت که اعضای بلندپایه‌ای این جنبش به رهبری حکیم‌الله محسود به مشورت و گفت‌وگو نشسته‌اند تا روی پیشنهاد حکومت به بحث پردازند. موجودیت مخالفین آمریکا در مناطق مرزی پاکستان باعث این شده که همواره این مناطق توسط چرخ‌بال‌های بی‌سرنشین آمریکا مورد هدف قرار گیرد که همیشه حکومت‌های پاکستان زیر انتقاد مردم قرار می‌گیرد. خروج نیروهای امریکایی از افغانستان، تغییر حکومت در پاکستان و به‌ویژه تغییر در رویکرد حکومت جدید نسبت به طالبان شاید بتواند طالبان پاکستانی را به گفت‌وگو متمایل سازد. این در حالیست که چودری نثار، وزیر داخله گفته است که برخی جناح‌های منافع به خصوص شان را در گفت‌وگو با طالبان در خطر می‌بیند. اما هنوز شرایط دو جانب به طور واضح ابراز نشده است.

رهایی طالبان و روند صلح



رئیس‌جمهور کرزی در بیستمین سفرش به پاکستان خواهان رهایی برخی از اعضای بلند پایه‌ای طالبان از جمله ملا عبدالغنی برادر، معاون پیشین طالبان شد که در زندان‌های پاکستان بسر می‌برند.

حکومت کرزی به این باور است که شاید بتواند با استفاده از طالبان تازه آزاد شده

فرایندی صلح طبق میل‌اش را در کشور ترکیه و یا هم عربستان سعودی راه‌اندازی کند. رسانه‌ی سازی معتصم آغا جان، مسئول پیشین سیاسی طالبان بخشی ازین بازی بود که بی‌نتیجه به پایان رسید. این بار حکومت تلاش می‌کند تا طالبانی را که قرار است آزاد شوند به کشورهای یادشده بفرستد و چیزی بنام مذاکرات صلح آغاز کند. با این کار حکومت می‌خواهد روند قطر را کمرنگ و بی‌اثر سازد. نخست، معلوم است که این بازی اصلاً ممکن نیست. دوم اینکه اگر طالبی حاضر به این گفت‌وگو شد، از هیچ صلاحیت و تأثیر در گروه طالبان برخوردار نخواهد بود. ملا محمد عمر مجاهد، رهبر طالبان بارها گفته‌است که نماینده‌هایش در کشور قطر جهت مذاکرات با مقامات آمریکایی حضور دارند و بدون ایشان کسی حق مذاکرات را ندارد. مشکل اساسی اینجاست که آقای کرزی در تلاش تثبیت قدرت و حاکمیت حکومت‌اش است، چیزی که طالبان از کم‌ترین ارزش برایش قایل نیستند. یگانه چابلی که می‌توانست بر وضعیت سیاسی و امنیتی افغانستان تأثیرگذار باشد، فرایند قطر بود که باید عوض مخالفت با ایشان از در گفت‌وگو پیش‌آمد صورت می‌گرفت که متأسفانه چنین نشد. حالا این رهایی‌ها هیچ تأثیری روی روند صلح نخواهد داشت.